

حزب کمونیست ایران و صدور حکم اخراج!

همایون اردلان

عمیق شدن اختلاف نظر در صفوف حزب کمونیست ایران و کومه‌له عملاً راه را بر اتحاد و نزدیکی دوباره مسدود کرد و حزب کمونیست ایران در اقدامی بیسابقه دست به تصفیه تعدادی از کادرهای شناخته‌شده و قدیمی خود زد اقدامی که بیشتر به شیوه کارهای استالین و کاسترو شباهت داشت متأسفانه حکا این اختلاف نظر در حزب را بیشتر از این بر نتابید و بعد از مدتی سکوت که میشود از آن بعنوان دوره انکار وجود اختلاف نامبرد تخطئه نظرات مخالفین را شروع و سپس با فشار گوناگون به آنها راه جدایی را هموار ساخت و آشکارا بر انشعاب و بیرون راندن این دگراندیشان پای فشرده امریکه بر کسی پوشیده نبود. اقدام به تصفیه در حالی عملی شد که زمان کوتاهی قبل از آن سخنرانان مراسم روز کومه‌له در گفتاری از قبل هماهنگ شده باتفاق سخن از برخورد دمکراتیک و امروزی با مخالفین راندند و جز دو مورد که یکی اشاره به گذشتن مخالفین از خط قرمز نمود (خط قرمز هم مشخص نبود که چیست؟) و دومی آنکه دستبردن به اسلحه را پرهیز میداد (شاید غیر مستقیم آمادگی مسلحانه خود و حزب متبوعش را اعلام میکرد؟) محتوای پیامها بیانگر چنین تصمیم تند و نابجایی نبود و حتی همزمان هم یکی از اعضای کمیته مرکزی حکا در مصاحبه با نشریه‌ای (ئاسو) روابط با رفقای فراکسیون را دوستانه و رفیقانه عنوان کرده بود حال این تفاوت بین حرف و عمل از کجا ناشی میشود و یا این دوگانگی در گفتار و رفتار چه اندازه در حکا نهادینه شده جای سؤال است. نکته مشخص و قابل فهم اینست که به احتمال زیاد رهبری حزب کمونیست ایران یکدست نیست و صدور این حکم به آسانی انجام نگرفته است دلیل هم اینست که در کمیته مرکزی این حزب کسانی حضور دارند که برای اعتراض به دستگیری یک فعال سیاسی اعتصاب کار و غذا میکنند و کیلومترها فاصله بین دو شهر را راه میپیمایند (که دست مریزاد دارد) و یا برای اعتراض به اخراج کارگران و معلمان و پناهندگان و..... دست به آکسیونها و کمپینها و تظاهراتهای گوناگون میزنند و در اینراه زره‌ای کوتاه نمایانند (که تلاششان مستدام باد) حال چگونه میشود قبول کرد همزمان با کارفرمای کارخانه لاستیک سازی آرتاویل تاجر که تعداد بیست نفر از کارگرانش را باتهام سازماندادن اعتراضات و اعتصاب کارگران کارخانه اخراج میکند (خبر از سایت پیام) این رفقا هم رای به اخراج نه کارگرانشان بلکه همزمان و یاران مبارز و قدیمیشان میدهند، این امکانپذیر نیست مگر اینکه گروه سلطه‌طلب باین رفقا تحمیل کرده‌باشند که اعضای فراکسیون از کارگران آرتاویل تاجر کم بها تر و ساعد وطندوست و مینه حسامی و جعفر امینزاده و حبیب الله کیلانه و از محمود صالحی و اسانلو و مددی و محمد شمس و غیر قابل تحمل ترند.

نشان دیگری که گویای تسلط گروهی جزم اندیش بر رهبریت امروز حکاست تفاوت برخوردیست که چند سال پیش در انشعاب طیف زحمتکشان رخداد با موضعی که امروز در قبال فراکسیون اتخاذ میشود، طیف زحمتکشان از همان آغاز بروز اختلافشان با کومه‌له گرایش راستشان آشکار و هوای ایجاد حزب در سرشان بود ولی هیچگاه بمنظور انشعاب نه تنها زیر فشار قرار نگرفتند شاید تلاشهایی هم برای نگاهداشتنشان صورت گرفت ولی امروز شاهد تصفیه و اخراج یکجانبه و

نابجای اعضای فراکسیونی هستیم که نقطه نظراتشان (بارها بیان و اعلام شده) بسیار متفاوت با طیف زحمتکشان است مهمتر اینکه همه چیز دال بر اینست که اعضای فراکسیون بهیچوجه خواهان جدایی و ایجاد حزب نیستند.

پیدا شدن شیوه‌ای مخصوص از قلمزنی هم در محدوده ادبیات حزب از پدیده‌های نوینی است که بهیچوجه شایسته این حزب نبوده و پیشتر شاهد آن نبوده‌ایم ولی متأسفانه تازگیها باب شده (شاید با پشتیبانی معدودی) که قلم را چماق کرده و بر سر مخالفین نظراتشان میکوبند، یکی بصراحت اعضای فراکسیون را تهدید میکند که اگر نروید مانند عبه دلیر بیرونتان میکنیم (از تشبیه ابراهیم عزیزاده به عبدالله مهتدی و ساعد وطندوست به عبه دلیر هم هیچ شرم و ابایی ندارد) یکی دیگر هم آنچه نارواست را به یکی از چهره‌های مبارز قدیمی میگوید (که شاید بسیاری از ماها الفبای اعتراض و حق طلبی را از کسانی چون او آموختیم) تنها باین خاطر که همانند او و رهبر مورد نظرش نمی‌اندیشد، و دریغا که هیچکدام از رهبری حکا حتی آنهایی که نوشته‌هایشان بری از هر نوع دگر آزاری و برخورد شخصیت از نوشته‌های این قلمزنان برائت نجستند. این شیوه نوشتن در حزب کمونیست ایران پدیده جدیدی است که متأسفانه حامل نوید خوشایندی نیست زیرا کسانی که با پشت بستن به حزبی کوچک قادرند مخالفین را چنین بکوبند و هتک حرمت کنند در فردای قدرتمندی حزب بیگمان زندانهای بمراتب دهشتناکتر از اوین و دیزل آباد و بند ۲۰۹ برای مخالفین نظراتشان خواهند ساخت.

صدور این حکم اخراج حزب کمونیست ایران را از یکسو از جنبش انقلابی کردستان و مبارزه حق طلبانه آن دورتر خواهد کرد و از سوی دیگر هیچ دری از دروازه‌های حکمت را برویش نخواهد گشود چرا که پیش شرطها بسی فراتر از این اعمال است.